

هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران

برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

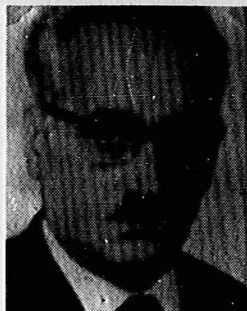
نامزدهای حزب ما سالها در حبس
و تبعید و مهاجرت بوده، و عده‌ای
از آنان، ربع قرن در زندانهای رژیم
پیشین عمر گذرانده‌اند. صفحات ۹ تا ۱۵

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۵
شنبه ۶ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال



رفیق حسین جودت
عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران



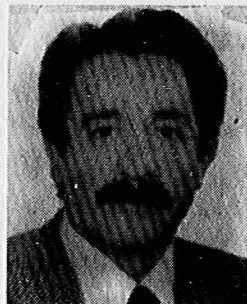
رفیق انوشیروان ابراهیمی
عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته
مرکزی حزب توده ایران



رفیق احسان طبری
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



رفیق نورالدین کیانوری
دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران



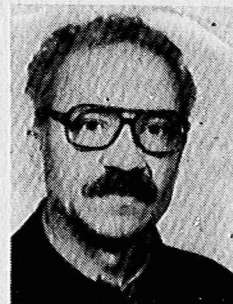
رفیق رضا شلتوکی
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



رفیق عباس حجری
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



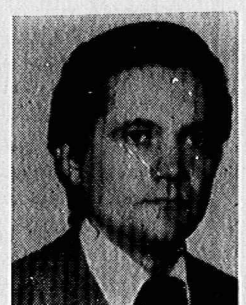
رفیق محمد علی عمونی
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



رفیق علی خاوری
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



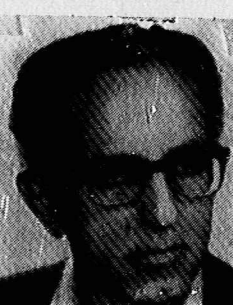
رفیق مریم فیروز
عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران



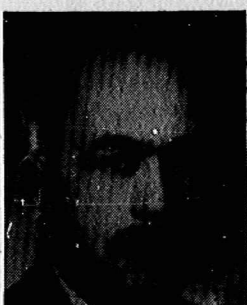
رفیق صابر محمد زاده
عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران



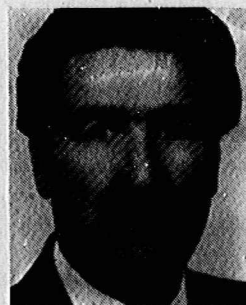
رفیق آصف رزمیداده
عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران



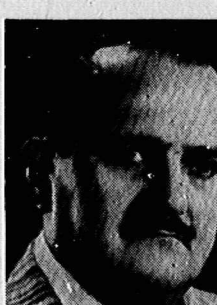
رفیق ابوتراب باقرزاده
عضو هیئت سیاسی کمیته
مرکزی حزب توده ایران



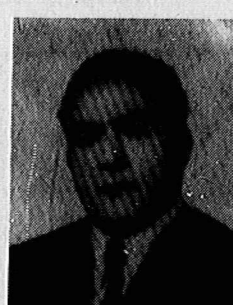
رفیق حسین آذر
از مسئولین سازمان ایالتی
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق غلامرضا وحانی شهرکی
از مسئولین سازمان ایالتی
حزب توده ایران در اصفهان



رفیق علی لامی
مسئول سازمان حزب توده
ایران در بهشهر



رفیق علی اکبر ماهذی زاده
از مسئولین سازمان ایالتی
حزب توده ایران در خوزستان

امیر یالیسم دیگر ابتکار تاریخی را در دست ندارد

■ سوسیالیسم بیش از پیش به عامل قاطع
تکامل تاریخی مبدل میشود

صفحه ۳

از: احسان طبری

سخنی درباره شناخت جامعه کشور ما

صفحه ۱۲

روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

صفحه ۴

وحدت عمل تنها پاسخ قاطع به ضد انقلاب

صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

روند بازسازی ارتش موجب نگرانی جدی است

روند بازسازی ارتش بگونه‌ای آغاز شده ادامه دارد که ابتدا در جهت نوسازی ارتش، در جهت ایجاد یک ارتش ملی و خلقی نیست. مقامهای مسؤولی که در کار بازسازی ارتش، باید این واقعیت را بدانند که هر انقلابی میبایستی ارتش خود را برپا آورد، و مادام که انقلاب ایران از نظر محتوا و هدف انقلابی، ضد امپریالیستی (ملی و دموکراتیک) و موافق انقلاب (و خلقی) است، پس از ارتش و واژگون شده ملی و ضد خلقی، میبایستی از بنیاد نوسازی شود، وگرنه بازسازی ارتش بصورت سابق، ایجاد قدرتی بسیار خطرناک برای آینده انقلاب خواهد بود.

پیش از ۱۹۵۵ است که از پوروی انقلاب میگذرد، ولی هنوز به قطب ارتش از عناصر ضد-انقلابی پاک نشده، بلکه سازمان دشمنان اطلاعات ارتش که چیزی جز «سواوک» ارتش نیست و بدست مستشاران نظامی آمریکایی برای برقراری سیستم جاسوسی و کنترل پناگون در نیروهای مسلح ایران، ایجاد شده بود، احیاء گردیده و مجدداً مشغول کاره شده است. گروهی (پیش از دولت نهم) از مستشاران نظامی آمریکایی هنوز در حاکمترین جاهای ارتش باقی و مشغول «فدالهند» - کوششی برای گسترش وابستگی تسلیحاتی ارتش، عمل ناهمگامه که سهل است، بدکی خرید کلاه‌های خارجی از ارتش از خرید کالاها و محصولات ساخت وطن تمام شود.

نروم قطع رابطه ریال و دلار و بهبود سیستم ارزی کشور

رژیم ضد خلقی شاه مخلوع، که وجهه مشخصه آن خدمت به اربابان امپریالیست و در رأس آنها امپریالیستهای آمریکایی بود، برای فراهم کردن امکان غارت منابع طبیعی و استثمار نیروی کار کشور، مسأله تنها از نوسازی سواوک مانند ارتش و سواوک استفاده میکرد، بلکه از ابزارهای اقتصادی نیز بهره‌می‌جست. اجرای سیاست دزدی باز اقتصادی، افزایش منجر غیر تولیدی و تلفات و در جهت افزایش درآمد اقلیتی امپریالیستی از جمله این ابزار بودند.

دولت ضد مردمی و نوکسفت هویدی در مرداد سال ۱۹۷۴ سیاست اقتصادی خود را از دید صرف انطباق وارد کردن کالا و خدمات از کشورهای غربی اعلام کرد. اما این اقدامات، یعنی افزایش منجر غیر تولیدی کشور، خریدهای هفتک نظامی و ایجاد تسهیلات و شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری کشورهای امپریالیستی، اربابان جهانخواه شاه مخلوع را راضی نمی‌کرد. برای صدور هر چه بیشتر کالا به ایران میبایست منابع و تولیدات کشاورزی ایران نابود میشد، و یا حداقل قدرت رفاهت خود را در مقابل کلاه‌های وارداتی از دست میداد تا از یکسو احتیاجات کشور به واردات و در نتیجه به صدور نفت هر چه بیشتر افزایش یابد و از سوی دیگر وابستگی تولیدات و کلاه‌های ساخت غرب بیشتر شود.

رژیم فاسدپهلوی برای اینکه کشورهای سرمایه‌داری غیر میبایست محصولات صنعتی و کشاورزی خود را در ایران سهل‌تر آسانتر بفروشد، برساند، ارتش ریال ایران را به دلار آمریکا وابسته کرد. دلیل عمده این عمل این بود که از تقویت بوق و مقتضی رت برای ریال و دلار جلوگیری شود تا برای یک مصرف کننده ایرانی، خرید کلاه‌های خارجی از ارتش از خرید کالاها و محصولات ساخت وطن تمام شود.

صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت بار ریال و دلار

برای درک بهتر عوارض و صدمات اقتصادی ناشی از ارتباط اسارت بار ریال و دلار ذکر توضیحاتی ضرورت دارد. هنگامی که دو کشور با یکدیگر مبادلات بازرگانی دارند، بهای کلاه‌های وارداتی و صادراتی آنها براساس نرخ ارز است که بوسیله عوامل اقتصادی تعیین شده است، پرداخت یا دریافت می‌کند، هنگامی که در کشور اول افزایش قیمت‌ها بیشتر و بیشتر از کشور دوم باشد، طبیعی است کشور اول برای حفظ بازرگانی داخلی و خارجی خود مجبور است یا ارز خود را در مقابل کشور دوم تنزل دهد یا بطور جدی با تورم مبارزه کند. چنانچه کشور مورد بحث نتواند تورم داخلی خود را کاهش دهد و نیز ارز خود را پایین نیاورد، کلاه‌های وارداتی از موقعیت رقابتی بهتری از کلاه‌های ساخت داخل برخوردار میشوند، زیرا تورم کشور خارجی کمتر از داخل بوده است و در نتیجه کلاه‌های خارجی از آن محصولات داخلی بفروش میرسد. ذکر این نکته ضروری است که عوامل دیگری نیز در تقویت یا تضعیف این عوارض مؤثرند. ولی ما در اینجا برای سادگی مطلب از ذکر آنها خودداری میکنیم.

طی سالهای دراز، درانی سیاستهای خانانه اقتصادی، پولی، مالی و ارز رژیم مزدورانه مخلوع، طبق آمارهای رسمی، که حتی در صحت آنها هم تردید وجود دارد، نرخ تورم و افزایش قیمت کلاه‌های مصرفی در ایران هواره بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری، بخصوص آمریکا، آلمان غربی، ژاپن و فرانسه، یعنی عمده‌ترین شرکای تجارت خارجی کشورمان بوده است. مثلا در سال ۱۹۷۵، نرخ تورم در ایران حدود ۱۳ درصد بود، حال آنکه افزایش قیمت در آمریکا و آلمان غربی به ترتیب ۹/۲ درصد و ۵/۵ درصد بود. همین ترتیب در سال ۱۹۷۶، نرخ تورم در ایران بیشتر از ۱۱ درصد و در همان سال نرخ تورم در آمریکا از ۶ درصد تجاوز نکرد. در سال ۱۹۷۷، که آمار و عوارض نامطلوب سیاستهای ضد ملی رژیم ضد خلقی مخلوع بیشتر مشهود گشت، نرخ تورم در ایران (باز هم طبق آمار رسمی غیر قابل اعتماد) از ۴۷ درصد گشت و به حدود ۲۷ درصد رسید، ولی نرخ تورم در آمریکا نزدیک بود ۷ درصد بود.

بدین ترتیب، همانطوریکه تشریح شد، برای حفظ بازرگانی داخلی کشور از دستبرد غارت امپریالیسم جهانی، ارتش ریال در مقابل دلار میبایست کاهش مییافت و طبق محاسبات مقدماتی ما، ارتش هر دلار بجای نرخ رسمی فعلی ۰/۶۰۶ ریال میبایست به رقمی حدود ۰/۹ ریال می‌رسید.

فراز استثمارگران

ظاهراً حکومت خیمه شب‌بازی اسفند موزور و در روزی نتوانسته است سبب پست‌پست را، که از او گری قیام سببها را سالیسوری افزایش یافته نگراند، آرام کند. به گزارش رویتر اکنون هر ماه بطور متوسط هزار نفر پست از رودزیا خارج میشوند. موزور و گفته است هر کسی که از کشور خارج شود، پس از ورود مجدد باید ۲۸ دلار

هموطنان! از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان پشتیبانی کنید

حزب توده ایران داشتن يك مسکن مناسب برای زندگی را حق طبیعی تمام افراد کشور میدانند و معتقد است که مسئله مسکن، بعنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات اجتماعی، باید در مرکز توجه قانون قرار گیرد و یک سلسله تدابیر سنجیده به حل آن کمک شود. از آنجا که حزب توده ایران یکی از بدترین، ننگین‌ترین و نفرت‌انگیزترین خلعت رژیم پشیمان را، خصلت شکنجه‌گری آن میداند. معتقد است که در قانون اساسی ایران باید هر گونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت بشخصی، چه بدستور مقامات دولتی و قضایی و چه خود سرانه از جانب مأموران دولتی، جدا منع و در صورت امکان، مجازات مقتضی در نظر گرفته شود. حزب ما معتقد است که در جمهوری اسلامی ایران باید به شکنجه جسمی و روانی انسانها برای همیشه پایان داده شود.

حزب توده ایران هم‌انطور که در اعلامیه مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ خود یادآور شده است: «بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تثبیت و گسترش آن و برای تقویت ساختن توطئه‌های رتکارانگه ضد انقلاب در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت می‌جوید... حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای تثبیت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی يك نامزد شایسته مجلس خبرگان می‌شمارد... حزب توده ایران آماده است تا تمام مساعی خود را در راه تنظیم يك قانون اساسی در خود در انقلاب ایران و غلظت‌های فداکار این سرزمین بکار برد.

نامزدهای حزب ما، که در کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت میکنند، نمایان حزب ما برای حصول به‌بهدفای متعالی و مترقی پیش‌گفته‌اند. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، از همه مردم مین‌دوست، آزادخواه و ضد امپریالیست دعوت میکنیم که موفقیت نامزدهای حزب ما را تسهیل کنند و آنان را در انجام وظایف مینوی خوشی یاری دهند.

حزب توده ایران از خودمختاری خلقهای ایران در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران جانبداری میکند و معتقد است که در قانون اساسی باید آزادی آموزش زبان مادری، استفاده از آن در زمینه آموزش و پرورش عمومی و عهده امپریالیسم و ارتجاع، برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران بر خود دارند. آنان طی چند دهه مبارزه، رنجهای فراوانی کشیده، پایداری در مایلهای مستقیم و عوارض محلی برای تأمین بهداشت و فرهنگ و حفظ امنیت داخلی شهرها بر خود دارند. تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسایی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی از اصول عقیدتی حزب توده ایران است.

حزب توده ایران تأمین برابری حقوق زن و مرد را شرط اساسی تحول بنیادی جامعه میداند و معتقد است که برای کامل حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان با مردان باید روشن، صریح و بی‌خدشه در قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد و کلیه تبعیض‌ها از میان برداشته شود.

حزب توده ایران طرفدار آنست که شیوه انتخاب نمایندگان مجلس و شوراهای باید دموکراتیک باشد و کرسی‌های نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت درازانی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع گردد.

حزب توده ایران در زمینه سیاست خارجی از سیاست عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک‌بندیهای نظامی بر بنیان حفظ صلح جهانی، عدم تجاوز بخاک سایر کشورها، حسن همجواری و همزیستی مسالمت‌آمیز و تحکیم و تقویت همکاری‌های بین‌المللی و گسترش مناسبات دواستل میان دولت‌ها بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها پشتیبانی میکند. حزب توده ایران معتقد است که اصول فوق باید بعنوان اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی گنجانده شود.

حزب توده ایران نامزدهای حزب ما، این بانگرا صديق منافع طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش، مدافع اصول مترقی پیش‌نویس قانون اساسی و اصول پیشنهادی حزب ما در جهت تأمین استقلال و دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و دفاع از منافع زحمتکشان و تعمیق روند انقلاب هستند.

بر اساس اصول پیشنهادی حزب توده ایران، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و همچنین برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار می‌گیرد. بخش دولتی بمثابة عامل عمده اقتصاد کشور در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند و بخشهای تعاونی و خصوصی در چارچوب منافع و مصالح ملی مورد حمایت قرار میگیرند.

اصول پیشنهادی حزب توده ایران حق کار برای هر یک از افراد کشور را از بدین‌ترین حقوق انسانی می‌شمارد و یکی از نخستین وظایف دولت‌ها را ایجاد آنچنان شرایطی میداند که بر شایسته آن تمامی مردم بتوانند بشغل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و با کار جمعی و فکری خویش روند تکامل مترقی کشور را تسهیل کنند. حزب ما معتقد است که حق کار و حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای باید برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده در قانون اساسی تأمین شود.

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

رفیق کیا نوری در تنظیم سیاست کنونی حزب و پشتیبانی از منی ضد امپریالیستی امام خمینی، نقش مهمی ایفاء کرده است. در انقلاب بزرگ مردم ایران، حزب از هرات تجارب سیاسی وی بهره‌گرفته و نتوانسته است فعالیت خود را بعد مؤثری گسترش دهد.



رفیق کیا نوری در کنکره اول حزب به عضویت کمیسیون تقی‌ش مرکز، و پس از سرکوب جنبش آذربایجان، به عضویت هیئت اجراییه موقت انتخاب شد. رفیق کیا نوری در مبارزه با جریان انحلال‌طلبی و راست‌گرایی خلیل ملکی و در مبارزه با انشعاب، شرکت فعال داشت. وی در کنکره دوم حزب به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجراییه انتخاب شد. رفیق کیا نوری پس از شش‌هفته کودتای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و پیروزی امپریالیسم و ارتجاع و حزب توده ایران، با دانش و توانمندی شد. وی در جریان دادرسی در پیدادگاه نظامی، بدفاع جدی از سیاست حزب در دفاع از استقلال آزادی ایران پرداخت و از اجنایات و توطئه‌های استعماری در کشور پرده برداشت و از حقوق ملی و استقلال کشور دفاع کرد. دادگاه رفیق کیا نوری را به ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرد.

رفیق نوراالدین کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی مجلس برسد نهائی پیش‌نویس قانون اساسی از تهران است. رفیق نوراالدین کیا نوری از مبارزات پی‌گیر و آزمووده است که در دامن حزب توده ایران پرورش یافته و بر پایه ایافت و آگاهی و فعالیت خستگی‌ناپذیر سیاسی خود، بمقام عالی دهر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب شده است. اولین تماس رفیق کیا نوری با جریان سیاسی انقلابی، در سال ۱۳۱۴، با گروه جوانان همکار دکتر آدانی و اولین فعالیت سیاسی وی، شرکت فعال در انصاف دانشکده فنی بود. رفیق کیا نوری، در ۱۳۱۴، براه ادامه تحصیل به آلمان رفت و در آنجا، در ارتباط با گروه‌های مخفی انقلابی، آموزش یافت و در جریان مین‌فالیته، کن‌اندیشانی علیه او به‌پس از رضاخان در تهران رسید. رفیق کیا نوری پس از خاتمه تحصیل (دکتر مهندس معماری) در سال ۱۳۱۹ به ایران بازگشت و به خدمت وظیفه رفت. وی ابتدا، مانند همه مسئولین دارای تحصیلات عالی، اقدام دانشکده افسری فرستاده شد، ولی پس از دو ماه، بر اثر اقدام رسمی شهرت‌یافتی مختاری و حکم رسمی ستاد ارتش، بعنوان عدم صلاحیت سیاسی، از دانشکده افسری احتیاط اخراج و بعنوان سرباز ساده، برای خدمت به‌واحد باغچه اعزام گردید.

رفیق کیا نوری، در سال ۱۳۲۰، با اعتراض به این حکم غیر قانونی، از خدمت معساف گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۱ عضو حزب توده ایران شد، عرصه فعالیت او در آغاز بویژه در میان دانشگهان بود.

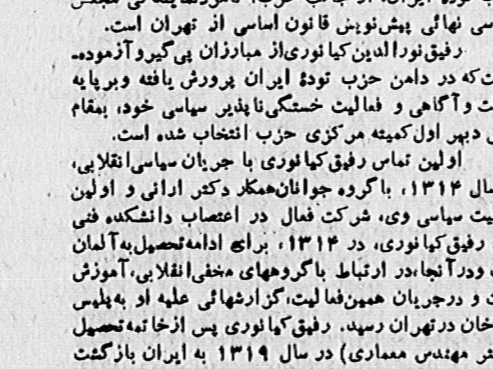
رفیق کیا نوری در سال ۱۳۲۸ مدت یکسال بزندان یزد تبعید شد و برای مبارزه زندان‌ناسیاسی، در تابستان ۱۳۲۹ مجدداً به زندان تهران منتقل گردید. وی در پایان ۱۳۲۹ بکمک سازمان افسری، همراه با رفیق شهید روزبه و نفر دیگر از اعضاء رهبری حزب از زندان فرار داده شد و به‌دستان دوران طولانی کارمندی او در ایران آغاز گردید. وی غما با به‌انجام محکوم شد. رفیق کیا نوری در مبارزات سالهای ۲۹-۳۱، به‌ی مبارزه برای اتحاد منشی صحیح حزب شرکت فعال داشت. رفیق کیا نوری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تلاش برای تجدید سازمان حزب و احداث جاسه‌خانه‌های جدید آن شرکت جست و بعد از رفتن سازمان نظامی، برای بیرون آوردن بقایای حزب از زیر سرپرست دشمن، از پای نشست.

رفیق کیا نوری، در پایان سال ۱۳۳۴، برای شرکت در پلومو کمیته مرکزی بنادج کشور احضار شد. وی در افشای خیانت عباس شهریار از نقش مؤثری بازی کرد. رفیق کیا نوری پس از پلومو چهارم، بعنوان دبیر دوم کمیته مرکزی حزب برگزیده شد و در دیماه ۱۳۵۷ بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید و این انتخاب در پلومو شش‌زدهم با اتفاق آراء مورد تأیید قرار گرفت.

رفیق کیا نوری، در آذرماه ۱۳۲۰، با اعتراض به این حکم غیر قانونی، از خدمت معساف گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۱ عضو حزب توده ایران شد، عرصه فعالیت او در آغاز بویژه در میان دانشگهان بود.

رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، برای شرکت در مجلس برسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی از طرف حزب برای تهران نامزد شده است. شاید نازی به معرفی رفیق احسان طبری نباشد، زیرا ۳۴ سال مبارزه سر سخت و اصولی وی علیه نظام رضاخان و پرورش، استحکام عقیدتی و فضائل انسانی، دانش گسترده در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی و نام‌آوری‌اش در رشته‌های مختلف ادبی، و وی را، علیرغم سالان مشغولیت‌های مهاجرت اجباری، به بهترین وجهی به جامعه ما شناسانده است. احسان طبری در سال ۱۲۹۵ در سراسر (ملازندان) تولد یافت و از ۱۷ سالگی به‌جانب انقلاب پیوست. وی از شاگردان برجسته هم‌زمان مجاهد و دانشمند شهید دکتر تقی ارانی بود و همراه گروه مشهوره ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶، به‌کمک زندان رضا پهلوی، با‌دانشش و پس از زندی در ۲ سال زندان، در مهرماه ۱۳۲۰ آزاد شد و در بنیان‌گذاری حزب توده ایران شرکت جست. رفیق طبری در کنکره اول حزب به عضویت کمیته مرکزی حزب و در کنکره

۴۴ سال فعالیت سیاسی توأم با زندان و مهاجرت



رفیق کیا نوری، در سال ۱۳۲۰، با اعتراض به این حکم غیر قانونی، از خدمت معساف گردید و در اردیبهشت ۱۳۲۱ عضو حزب توده ایران شد، عرصه فعالیت او در آغاز بویژه در میان دانشگهان بود.

بفیه در صفحه بند

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

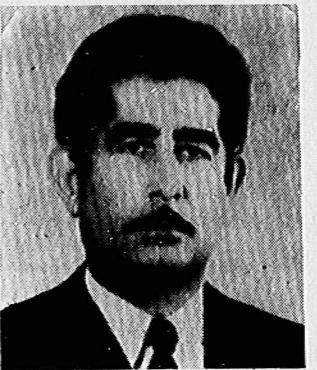
بقیه از صفحه قبل

دوم به عضویت هیئت اجرایی (هیئت سیاسی) برگزیده شد و تاکنون در این مسئولیتهای خطیر حزبی بسیار شایستگی فراوان و وظایف خود را ایجاب داده و در تئوری و تدقیق مضمون حزب، در تدارک و تنظیم برنامههای حزب، در مدیریت و سازماندهی و مجلات حزبی، در سنگربازداری تبلیغاتی و ترویجی و آموزش حزبی، چهره نماینده حزب، چه به مقام مبارزه مضمونی و چه در دوران مهاجرت اجباری، نقش بسیار حساس و مهمی داشته است. رفیق طبری که بر اثر نقیصه اعمال رژیم شاه مخلوع غیابا به اعدام محکوم شده بود، با اجازه و دستور رهبری به مهاجرت سیاسی رفت و به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران به مین بازگشت.

رفیق طبری دارای درجه دکترای فلسفه است و هم اکنون یکی از برجستهترین جامعهشناسان، فیلسوفان، ادیبان، شاعر، پژوهشگران و منتقدان کشور ما بشمار میرود که در زمینههای مختلف اجتماعی شناخت گسترده و ژرفی از سایر کشورهای جهان نیز دارد.

رفیق طبری یکی از با سابقهترین روزنامه نگاران کشور است که مسئولیتهای مهمی در مطبوعات ساداشته و نوشتههایش در سایر مجاری مجلات بکرات چاپ شده است. داستانها، اشعار، نقدهای ادبی و هنری، تحقیقات سیاسی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و پژوهشهای لغوی و زبانی او در کجیته فرهنگ ایران جای دارد.

رفیق احسان طبری باید وسیع و آگاهی عمیق خود و با تجربه سیاسی و مبارزاتی طولانی خویش، به پشتوانه یک زندگی سیاسی سرسبز و تجربه ارزشمندی، ازجمله، سلطنت پهلوی، بغا طرسادت مردم و استقلال و آزادی کشور، میتوانست مدافع شایسته نظریات حزب ما و منافع همه زحمتمندان و ترقیخواهان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی باشد.



چهره محبوب آذربایجان

رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

رفیق ابراهیمی در ۷ خرداد ۱۳۰۶ در آستانرا متولد شد و پدرش، فخر ابراهیمی، از جانب رژیم رضاشاهان بجزم فعالیتهای کهنوستی دستگیر و به مدت ۳ سال در زندان قفس بنامین کشیده شد. وی سپس به ناپل فرستاده شد. رفیق انوشیروان با تعلق خاطر و در تلمذگاه به پدر پیوست و ضمن تکمیل از پسند درس مبارزه میآموخت.

رفیق انوشیروان از زحمتمندگانی است که عشق وی نسبت به زحمتمندان و شور و هیجان دوستیاش، با «فهراندرون شده است. وی که نشان از پند دارد، در سال ۱۳۳۴ به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران در آمد. او با آذربایجان بازگشت و در جنبش مردمکرتک خلق آذربایجان برای خود مختاری در جارجوب ایرانی واحد و مستقل و رها از جنگ امپریالیسم، شرکت فعال داشت. رفیق ابراهیمی در سال ۱۳۳۵ به عضویت فرقه دمکرات آذربایجان درآمد و پس از سرکوب خونین جنبش، مجبور به مهاجرت سیاسی شد. در مهاجرت سیاسی، رفیق انوشیروان ابراهیمی به تکمیل دانش خود در رشتههای زبان و علوم اجتماعی پرداخت.

در سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱، وی ضمن مطالعات کلاسیک، در رشته علوم اجتماعی، در سالهای تحت عنوان «مبارزه حزب توده ایران علیه ارتجاع در جارجوب فعالیت حزب در مجلس چهارم» نوشت و به اخذ درجه و کفایت عالی رسید.

رفیق انوشیروان ابراهیمی ضمن تعمیق و گسترش دانش اجتماعی سیاسی خود، در میدان عمل نیز سخت کوش و فعال و مبارزه ادامه داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۵ به عضویت کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان انتخاب شد و در سال ۱۳۳۸ به مقام عضویت هیئت اجرایی کمیته مرکزی فرقه دمکرات ارتقاء یافت و در سال ۱۳۳۸ به معاونت در کمیته مرکزی فرقه دمکرات برگزیده شد.

رفیق ابراهیمی در عمل دانش سیاسی را با کاردانی در مبارزه بنوعی برجسته نشان داد، چنانکه در پهلوی و پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی روسی در پهلوی شاهزادگان کمیته مرکزی به عضویت هیئت سیاسی و به مقام یکی از دبیران حزب برگزیده شد.



۴۰ سال تجربه غنی سیاسی و اجتماعی

رفیق انوشیروان ابراهیمی، که چهره محبوب و شناختهای سازمان حزب توده ایران در آذربایجان است و به نام وجود در راه تسمیق انقلاب پیروزنده خلقهای ایران، در راه گسترش فعالیت انقلابی حزب توده ایران مبارزه میکند.

رفیق حسین جودت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

نام رفیق جودت، با فعالیت نزدیک به ۴۰ ساله سیاسی و سندیگاتی و دانشگاهی، نام شناخته شدهای در جامعه ماست.

رفیق جودت در سال ۱۲۸۷، در تبریز، متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان رسانید. وی سپس در رشته فیزیک و شیمی از دانشسرای عالی، در سال ۱۳۱۱، فارغ التحصیل شد. رفیق جودت در همین سال از طرف دولت برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد و در سال ۱۳۱۲، بدیافت دیپلم لسانس دولتی در رشته فیزیک و در سال ۱۳۱۶ بدیافت دیپلم دکترای دولتی در علوم فیزیک از دانشگاه سوربن پاریس نائل گردید. وی در تابستان ۱۳۱۶ به ایران مراجعت کرد و تا بهمن ماه ۱۳۲۷، با سمت استاد فیزیک در دانشکده فنی دانشگاه تهران، به تدریس پرداخت. وی از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ماه ۱۳۲۷، بعنوان نماینده شورای استاذان دانشکده فنی، در شورای دانشگاه تهران عضویت داشته است.

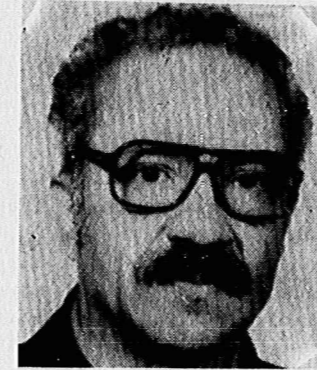
رفیق حسین جودت در اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فضالانه در کارهای سیاسی شرکت جست. وی در کنگره اول حزب به عضویت تقویش کل و در کنگره دوم به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجرایی (هیئت سیاسی) کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و اینک نیز عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است. وی در زمینههای مختلف فعالیتهای سیاسی حزب ما شرکت داشته است.

رفیق حسین جودت از سال ۱۳۳۴ به فعالیتهای سندیگاتی گستردهای در راستای جنبشهای مردمی و اتحادیههای کارگران و زحمتمندان ایران، با سمت دبیر شورای مرکزی، فعالیت داشته است. کارگران ایران در مقابل مختلف کشور، و منجمله در آذربایجان، با کوششهای همه جانبه وی در جهت دفاع از منافع طبقاتی خویش آشنا شدند.

رفیق جودت در روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷، هنگامیکه عازم دانشگاه بود، با زداشت و در دادگاه غیر قانونی حکومت نظامی محاکمه و زندانی شد و وی در این دادگاه، مانند سایر رهبران حزب، مجدانده از حزب و سیاست دفاع کرد. در وقت جودت در زندان ۱۳۳۸ زندان گفان تلمذگشت و در شهریور ماه ۱۳۲۹ در باره زندان قفس تهران منتقل گردید و در آذرماه همانسال، بهمرز رفیق شهید روزبه و ۸ تن دیگر اعضاء کمیته مرکزی حزب توده ایران، بکمک سازمان نظامی حزب از زندان فرار داده شد و تا بهمن ماه ۱۳۳۴، در شرایط مخفی، در تهران فعالیت کرد و وی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، از طرف دادگاه نظامی بطور غیابی به اعدام محکوم شد.

رفیق جودت در بهمن ماه ۱۳۳۴، طبق دستور کمیته مرکزی، از ایران خارج شد و تا فروردین ماه ۱۳۵۸ در مهاجرت سیاسی بسر برد. وی در مهاجرت سیاسی نیز در اقدامات سیاسی، سازمانی و تبلیغاتی حزب شرکت فعال داشت. رفیق جودت پس از پیروزی انقلاب و فرار هم شدن شرایط بازگشت، طبق دستور کمیته مرکزی، برای ادامه فعالیت در صفوف حزب توده ایران به ایران مراجعت کرد و مانند همیشه تمام نیروی خود را در خدمت حزب گذاشت. انتخاب جودت در مسحنه بین لفظی نیز دارای اطلاعات و تجربه بسیار است و فرکت وی در کنگرهها و مجامع مختلف جهانی، آگاهیهای فراوانی در اختیارش گذاشته است.

رفیق حسین جودت، با سابقه و تجربه غنی سیاسی، سندیگاتی، دانشگاهی و اجتماعی خود و با آشنایی با شرایط مشخصی زادگاه خود آذربایجان، میتواند با شایستگی وظیفه نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را با انجام خدمتگزاری خود در راه مین و مردم در عمل ثابت کرده است.



مبارز سرسخت پرورده خطه خراسان

رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

رفیق علی خاوری رجل سیاسی پر تجربه و مبارز سرسختی است که نه فقط در ایران، بلکه در محافل معرفی کشور های مختلف جهان شناخته شده است. زحمتهای است که در خرابیهای همگین بر بنیادگاه نظامی شاه مخلوع وارد ساخت و زندانها و تبعیدگاههای ساواک را به تحمل شدائد بسیار فتح کرد. او نمایان مردم برخاسته و همواره مدافع آنها بود. و منافع مین زحمتمندان اساسی تر و بنوعی میباشند و بار، به مثابه رفیق علی خاوری، در سال ۱۳۰۲، متولد شد و از سال ۱۳۲۰، یعنی بحدس تأسیس حزب توده ایران، به عضویت آن درآمد. او از آغاز جوانی به فعالیت سیاسی ترقیخواهانه، مین دستساز و آذربایخوانه پرداخت. وی در سالهای ۱۳۳۳-۱۳۳۴ در مسحنه و سایر شهرهای خراسان فعالیتهای حزبی و کار سازمانی نیز تودههای زحمتمندان پرداخت و در ضمن توانست دانشسرای مقدماتی را به پایان رساند و در امور آموزشی فعالیتهای پرگرمی بردارد. فعالیتهای وی در سازمان جوانان مشهد و همچنین در کمیته ولایتی سبزوار و قوچان، مکتبهم تربیت حزبی و سیاسی او بود.

رفیق خاوری، پس از آنکه ناچار به مهاجرت سیاسی شد، ضمن ادامه فعالیتهای سیاسی، در رشتههای تاریخ و ادبیات فارغ التحصیل شد و بکار آموزش پرداخت.

در سال ۱۳۳۴، هنگامیکه حزب توده ایران از پدید برای احیای فعالیتهای سازمانی، کارهایی در راه مهاجرت با ایران بازگرداند، رفیق علی خاوری بلافاصله، با آنکه چند ماهی بیشتر به دفاع از ساله دکترایش باقی نمانده بود، همراه با همزم بزرگش، رفیق شهید پرویز حکمتجو، به مین بازگشت تا در سختترین شرایط کار بماند. با آگاهیهای حزبی خود در راه استقلال و آزادی کشور و مسامت و بهروز مردم، در عمل سرنگونی رژیم دست نشانده و فاسد پهلوی، جامه عمل پوشانید.

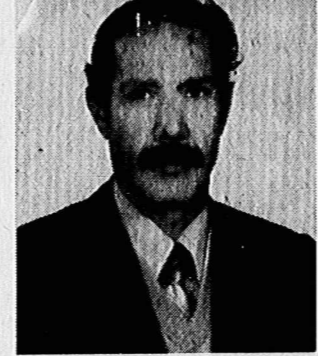
رفیق خاوری در جریان فعالیتهای مخفی دستگیر شد، و بعد در دادگاه نظامی شاه مخلوع یکی دیگر از زحمتمترین استاد دفاع تودهها را در برابر سلطه نواستعمار و استبداد سلطنتی، در دفاع از آرمانهای آزادیگانه حزب توده ایران و اهداف عالی و شوروی او بوجود آورد. بدستورهای عالی و ساواک او را در بار محکوم اعدام کردند و تنها زیر فشار افکار عمومی ایران جهان و کارزار وسیع دفاعی که با تکلیف حزب توده ایران در مین تمام محافل معرفی جهان سازمان داده شد، رژیم ناچار عقب نشینی گردید و حکم به حبس ابد تبدیل شد.

از آن موقع، برای رفیق خاوری، چهارده سال دوران تحمل شرایط زندانهای قزل قلعه، قفس، زاهدان، بندر عباس، شیراز، اصفهان، قزوین، که تنید در زندانهای هولناک جنوب ۷ سال آنرا در بزمبگرد، آغاز کردید، تا اینکه به مین انقلاب بزرگ خلق ما، در سیام آبان ماه سال ۱۳۵۷ آزاد شد.

شرایط و عوارض زندان از نظر جسمی طمات زیاد در رفیق خاوری وارد ساخت، ولی روح مقاوم و اراده ای استوار وی نه تنها خورد نشد، بلکه هر چه محکمتر و قاطعتر و پندیده تر شد. در این امری است که در فعالیتهای پرشور وی، پس از انقلاب، در رهبری حزب و کار سازمانی و تبلیغاتی بنوعی دیده میشود. رفیق علی خاوری، پرورده خطه خراسان، مبارزی است که از مصلحت سختترین تجربهها سر بلند بیرون آمده و خدمتگزاری خود در راه مین و مردم در عمل ثابت کرده است.

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

مظهر مقاومت خلیق ۲۵ سال زندان



رفیق محمد علی عمولی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از طرف حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

رفیق عمولی را همه کسانی که در ۲۵ سال اخیر بر این مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی بزندان افتادند و سازمانهای آنان بنوعی میباشند و بار، به مثابه مظهری از مقاومت مبارز در برابر انواع فشارها و شکنجهها و ساهای دراز زندان، ارج مینهند.

رفیق عمولی در سال ۱۳۰۳ در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در همان شهر و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. او در سال ۱۳۲۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۲۸ از آن فارغ التحصیل گردید. اما فعالیت سیاسی رفیق عمولی از سال ۱۳۲۴، از همان شهر کرمانشاه شروع شد و در راه، هنگامیکه افسر شد، صاحب سابقه و تجربه سیاسی جدی بود. در صفوف حزب توده ایران (سازمان نظامی) رفیق عمولی نیز به فعالیتهای اجتماعی خود را کاملتی کرد و در ضمن خود را بعنوان مدافع صلیق و مبارز منافع زحمتمندان و استقلال و آزادی مین پرورش داد.

دوستان رفیق عمولی میدانند که در روزهای ظهوری خاص، چهره روح پر احساس و عاطفی نهفته است که با عشق و محرومان و آزادی مسامت آنان مطبقید. بقول یکی از همزمان نزدیکش، عالترین خصوصیات اخلاقی رفیق عمولی بویژه در زندان، در زیر شکنجههای موب جسمی و روانی، در برابر اربانه مداوم جلاخان، در مقابل حالات ناچوار و روانه نیمه راهان و از دیو بی تجربگان شتابان و در مین تیردست عقیدتی در شرایطی نامساعد بروز کرد.

رفیق عمولی در زندان به مظهر روش اصولی توده ای رسپات درست توده ای بدل شد. او توانست نام حزب خود را بلند آوازه بدهد که دادر و احترام و علاقه بسیاری از زندانیان سیاسی را، اعم از روحانی و مجاهد و چریک و آزادخواه، نسبت به خود، به آرزوهای آن میگرداند. او با چنین انسانهای والا و آزاده ای را پروراند. تمام، جلب کند. این تجربه ای سخت و طولانی بود. ۲۵ سال تمام در سباهجای شاه خائن و ساواک چنانکه از سال ۳۳ که بدنبال کشف شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق عمولی دستگیر شد، از زندانهای قفس و شکنجه و شپراز و برانجان، با شرایط غیر انسانی آن میگرداند تا ۵۷ که بدنبال موج انقلابی جنبش شکوهمند خلق و در آستانه پیروزی انقلاب، در راه زندانهای بروی زندانیان پاس کهنه میشوید رفیق عمولی نیز آزادی خویش را جرمه با ملت نشسته استقلال و آزادی باز مییابد.

از آن زمان ماهها پیش نگرفته، که هر روز و هفته آن، شاهد فعالیت جوانان ویر و ترقیگرایان و تبلیغاتی رفیق محمد علی عمولی در مسحنه و خطب حزبی او در تهران و شورسماها، در مینکها و اجتماعات و در میان کادرها و مردم بوده است.

رفیق عمولی با پشتوانه تجربه بزرگ سیاسی و آگاهی اجتماعی، آشنایی با نظریات و در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد، و وفاداری اش بر راه خلق، مورد اعتماد و احترام خلق و حزب طبقه کارگر است.



فولاد آبدیده در بوته آزمایش ۲۵ ساله

رفیق عباس حجری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی آذربایجان است.

رفیق حجری با سروسامان عظیم تجربه سیاسی و نیرو آشنایی با پذیر خود علیه نظام سلطنتی وابسته، علیه امپریالیسم علیه استبداد، یکی از شخصیتهای خلقی و سیاسی مین ماست.

رفیق حجری بسال ۱۳۰۱ در مشهد متولد شده و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر تمام کرده است. وی در سال ۱۳۲۱ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۲۳ از آن فارغ التحصیل گردید.

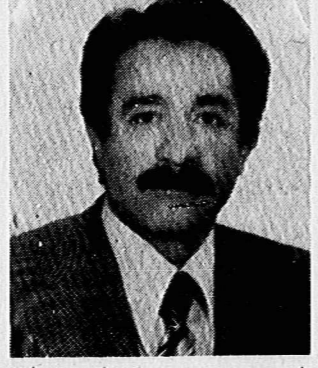
رفیق عباس حجری که در دوران ارتش، از نزدیک به نقش دوم رژیمشاه مخلوع و دست درامنه حق کشیها و بیعدالتیها بی برده بود، راه راستین خدمت به مین و به خلق خود را در مبارزه علیه آن رژیم در پیوستگی به صف متشکل زحمتمندان آگاه یافت. او در سال ۱۳۲۴ به عضویت حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. سالهای خدمت افسری او زبندت ده سال، که بنسب سه سال در مشهد و شش سال در هستان و بلوچستان و یک سال در کرمان گذشت. سهمای واقعی زندگی فلاکتناز مردم ایران و عقیماندگی و حشمتناک کشور ما را، که مسبب آن سلطه امپریالیسم و حکومت جبارشاه بود، بوی نشان داد. عزم جزم و بافت و روح حجری در خدمت به تودههای محروم در این سالها سیقل یافت و در این نشد.

او در این سالها عشق بویکران نسبت به توده محروم را با احساس عاطفی فراوانی که از ورای ظاهر جدی و خوددار وی ابدآ چشم نمایاند، در قلب خود پروراند. در سالهای بعد، او با همان شدت و ژرفا، نفرت به استبداد سلطنتی و کینه نسبت به نواستعمار و عیال فاسد و جهاولکر داخلی آنرا، طی ۲۵ سالگی که در زندانهای شاه گذراند، در قلب خود جای داد. رفیق حجری بملت مبارزه خود و تملقش به حزب توده ایران، در شهریور ۱۳۳۳، پس از کشف شبکه نظامی دستگیر و به حبس ابد محکوم شد.

سالهای زندان، سالهای حماسه آفرین مقاومت و استواری، ادامه نبرد در شرایط بسیار دشوار و مقابله با انواع نظریات انحرافی بود. رفیق حجری از بسوته این آزمایش ۲۵ ساله شکنجه گاهها و سباهجای ساواک سر بلند و پرافتخار بیرون آمد. وی این سالها را در زندانهای کرمان، و سیرجان و قصر و برانجان و تهران و شهرها گذراند و همه این قلاع استبداد را به دژ پایدار، به مکتب آموزش و تربیت سیاسی بدل کرد.

انقلاب شکوهمند ایران، هنگامیکه ضربات کاری را بر رژیم منحوس وارد میساخت، در پایان سال ۱۳۵۷، پس از زندانی سیاسی پرافتخار، محکوم به حبس ابد توسط ساواک شادرا، از زندان آزاد نمود.

اکنون، با کوله بار گرانبهای سابقه مبارزاتی و تجربه سیاسی و پختگی و متانت و آبدیگی، که بویژه رفیق عباس حجری است، وی میتواند همیشه، آماده خدمت بخلق است.



سازمان دهنده مقاومت زندانیان ۲۵ سال زندان

رفیق رضا شلتوئی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

رفیق شلتوئی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد و تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در کرمانشاه گذراند و در تمام این مدت ویس آن نیز در کنار خلقی کرد بوده و با تمام مسائل و خواستهای حیاتی و خفته اش از نزدیک آشنا شد. وی در سال ۱۳۲۹ در تهران تحصیلات متوسطه را تمام کرد و در سال ۱۳۳۲ فارغ التحصیل گردید. بعد از کشف شبکه سازمان شلتوئی برای پیمودن مدارج ترقی و دست یافتن به ینک زندگی مرفه فردی وارد ارتش نشد. بود. آرمانهای بزرگی متن و قلب او را تسخیر کرده بود. وی از سال ۱۳۳۴ مبارزه سیاسی را در صفوف حزب توده ایران آغاز کرد و برای حل مشکلات توده مردم زحمتمندان سرسرم خود و حل مسائل ملی خلقی کرد. بدستی راه راستین را یافت.

رفیق شلتوئی که راه مبارک طمعی را از سازمان جوانان حزب توده ایران آغاز کرده بود، پس از اخذ درجه افسری داد. وی در شهریور ۱۳۳۳، بدنبال کشف شبکه این سازمان، زندانی شد و از آن وقت، دوران ۲۵ ساله ای آغاز شد که طی آن، رفیق شلتوئی خصائل عالی حزبی و انسانی و سیاسی و سازماندهی خود را ظاهر ساخت.

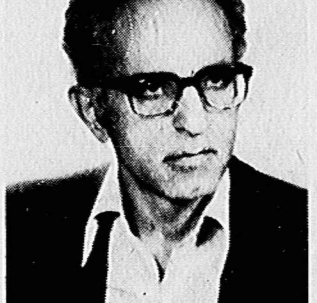
جلاخان شاه مخلوع نخواستند او را با زندان آورند. برعکس، او بود که تمام شرایط مهم تسخیر را در برابر اراده خویش در همه شکست و سازمان دهنده مقاومت جمعی زندانیان سیاسی و مریدان لسل جوان مبارز شد.

رفیق رضا شلتوئی نمونه بارزی از رفتار یک مبارز آگاه و بی گهر است در زندان و در مقابله با سخت ترین شرایط. چه از نظر محیط شبکه و آزاد از جانب زندانیان و چه از نظر جو ایدولوژیک ناسالی که گاه حاکم میشد. نام

او نه فقط در دفتر نبرد سیاسی، بلکه در آثار ادبی درج است. تمیید در برانجان و سالهای زندان در اوین و قصر و مشهد و برانجان و همچنین شکنجه گاه «کمیته»، هم او را آبدیده و مجرب کرد و هم عده زیادی از جوانان را در دستک او، که مکتب حزب توده ایران، مکتب ترقیبی گهر شد امپریالیستی و آزادخواهانه است، پرورش داد.

رفیق شلتوئی با لیکند گرم و خوش بینی ژرف خود، با فروتنی ویژه و قدرت نشو خود، محبت و احترام همگان را نسبت بخود جلب کرده است. برای او تمام این سالهای افتخار آفرین و حماسه های فراموش نشدنی، مسائلی است که مایه غم است که نه توده ای، همربارزی، بنوعی کاملاً بدیهی مویاست و میتوانست انجام دهد.

در آبانماه ۵۷، نبرد دلبران خلق ما، که معرفت به پیروزی نزدیک شود، دره های زندان را بپروزی زندانیان سیاسی کشود و رفیق شلتوئی نیز با آغوش مین مردم مین خود بازگشت و یکسر و با تمام جان و دل، در مسحنه و خطب عمو اهمیت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، بکار سازماندهی و احیای تشکلات حزب پرداخت. تجربه غنی سیاسی و عملی رفیق رضا شلتوئی، آشنایی او با نشلهای مختلف و کارهای مختلف زندانیان سیاسی، آگاهی او بر مسائل و خواستهای خلقی کرد و همه مردم زحمتمندان ایران، برای حزب و برای خلقی گرانها است.



۲۵ سال استقامت و مصاف ایدولوژیک در زندان

رفیق ابوتراب باقر زاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی آذربایجان است.

از روشهای «چهره»، زادگاه رفیق باقر زاده، تا نامزدی شرکت در مجلس خبرگان، راهی است طولانی، که تنها با تکیه به اراده ای قوی، عقیده ای نزلزل ناپذیر و خصائل اخلاقی برجسته ای پیموده شده است، راهی که در آن حکیم اعدام و سپس ۲۵ سال تمام زندان در سباهجای های رژیم شاه مخلوع نیز وجود داشت.

رفیق ابوتراب باقر زاده، در چهاردهم آذرماه ۱۳۰۹، در خانواده روستایی از بیلوک بایل کنار، در مازندران، در یک روستا گذراند و در بیستان از نو در ده درازکلر و سال آخر آنرا در بیستان کج افروز شیرگاه، به پایان رساند. او در تمام این مدت از نزدیک با زندگی و شرایط کار و خواستهای دهقانان مازندرانی آشنا بود و در آن محیط بزرگ شد. رفیق باقر زاده در سال ۱۳۲۳، با بازگشت تا بیست و نه سال در سال ۱۳۲۹ دهمین جا درس میخواند و ضمناً شاهد اوج گیری مبارزات مردم و فیرد ضد استعماری و ضد استبدادی خلق ما بود. او از همان موقع با تمام قلب و اندیشه خود باین نبرد مطه، پیوست.

رفیق باقر زاده پس از ورود بدانشکده شهرستانی، در سال ۱۳۳۰، به عضویت در حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. وی هنگامیکه در سال ۱۳۳۱ از دانشکده افسری شهرستانی فارغ التحصیل گردید، وارد دانشکده حقوق شد.

رفیق باقر زاده ابتدا در کلاسهای ۵ تهران خدمت میکرد و بعد بزندان قصر منتقل شد و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تکلیفان دارالفناویب بود. پس از کودتا رژیم او را مطلقون به فعالیت سیاسی تشخصی داد، ولی چون سند و مدرکی نداشت، به بندر عباس تبعید کرد. بعد از کشف شدن شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق باقر زاده، بملک عضویت در سازمان و از همان موقع، با طمعی سرنگونی رژیم دستگیر شد. اوهم مانند عده ای دیگر از رفقای همزیمش به اعدام محکوم شد. در این دوران او دروها و هفته های دقواری را گذراند. زیر اشهد نه باران جمعی از بهترین رفقای دوست نش بود. روزها و هفته هایی که از شکنجه های مستقیم که بخود او وارد میشد، بسیار دشوارتر گذشت است. سرانجام پس از یکسال، حکم اعدام به محکومیت ابد تبدیل شد. تنها انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بود که به توانست. در همان اوج کهنه توده پیش از پیروزی نهایی اش، در آبانماه ۵۷، در راه زندانها را بکشاید و رفیق ابوتراب باقر زاده را، پس از ربع قرن زندانی بودن در سباهجای های رژیم سلطنتی، آزاد سازد.

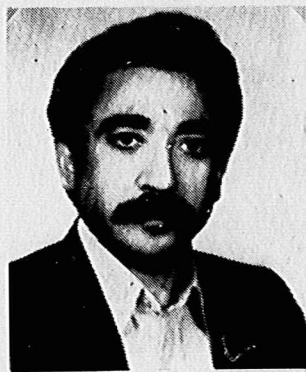
رفیق باقر زاده ایدئولوژی ایدئولوژی در زندانهای قفس، برانجان، رفیق در صفحه بعد.

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

بقیه از صفحه قبل

مشهد و اولین پسر برده است. این ۲۵ ساله، سالهای نبرد و شور و ولع فتنه‌ی، سالهای استقامت و نبردهای سالهای آموختن و بدینکار آموختن بود. رفیق باقرزاده تمام این زندانها را به سخته مبارزه بدل کرد، خوش آیدند و به نبرد، دهها جوان پرشور، ولی بی‌تجربه را تربیت کرد و راه درست و پرثمر مبارزه را به آنها آموخت، در مصافهای ایدئولوژیک درون زندان فعالانه شرکت کرد. همه اینها در شرایط شکنجه‌های مداوم، آزار و اذیت، تنیدها و زورگویی در شرایطی که تنها اراده بولادین و عشق بیکران با خلق زحمتکش قادر بود در آن تاب بیاورد و پهلوی زندان شود.

علیرغم تمام دشواری زندانها و شکنجه‌های مہیب رژیم شاه مخلوق، رفیق باقرزاده هرگز شوخ طبعی و بدله گویی خویش را، که همواره از همان دهات مازندران با خود داشت، ترک نکرد. بگفته هم‌تجربانش، «رفیق روزسخی و فشار، فرزند صادق طبیعت برغل و غش، بود و باقی ماند. این صفات، همراه با ذوق هنری و ادبی (منجمله در شرایط زندان چندین رمان را بنویسید و بر کردارنده است) سیاسی اخلاقی این انسان محبوب و پرکار، این مبارز سرسخت و تسلیم ناپذیر، این دهقان زاده مازندرانی وافر سابق، این زندانی سیاسی ۲۵ ساله و ضوہیت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران را میبازد



کارگری مبارز پرورده مکتب طبقه کارگر و حزب

رفیق آصف رزم‌دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، کارگری و تالیسات، زندانی سیاسی رژیم شامخلوق، از جانب حزب مابرای شرکت در مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی از تهران نامزد شده است.

این کارگر مبارز جوان، این توده‌ای مقاوم و دیر می‌تواند بیاتر صديق خواستهای طبقه کارگر کشور ما باشد. زیرا از نزدیک با مسائل و مشکلات و مطالبات کارگران آشناست و هم‌اکنون نیز در این زمینه فعالیت پرورایی را انجام میدهد.

رفیق آصف رزم‌دیده، در سال ۱۳۱۹، در اردبیل، در یک خانواده کارگری متولد شد و کودک شیرخوار بود که پدرش را از دست داد. همانطور که در زندانی زحمتکش همین ما همواره رخ میدهد، بار سنگین اداره خانواده بدوش مادر افتاد، که با خیالی چرخ مماند روزانه را میگرداند. رفیق آصف سپس به تهران آمد و در مؤسسات فنی، بکار مشغول شد.

در میان طبقه کارگر ایران بود که رفیق آصف رزم‌دیده به مبارزی آیدند. بل شد. از آنوقت که یکی از کارگران حزب آصف را، که کارگر لوجوانی بود، بفروش روزنامه مردم، در خیابان اسلامبول و سمدی صورت گرفت تا امروز که وی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است، او را درازی رادر نبردهای خیا بانی، در تظاهرات عمومی، در جبهه نه منفسی حزب، در زندانهای شاه خائن و در شکنجه گاه ساواک گذرانده است.

در سالهای سپاه پس از کودتا، رفیق آصف مسئولیت رابط خانوادهای زندانیان سیاسی را به عهده داشت. در آن سالهای بسیار دشوار، وی با محفل کوچکی از توده‌یها بکار سازماندهی حزبی، ادامه داد و در جریان این فعالیت، در سال ۱۳۳۷ دستگیر شد. وی پس از آزادی از زندان، باز به ملت نوشتن مقاله‌ای، تحت پیکرد قرار گرفت و لذا منفسی شد، ولی سرانجام در سال ۱۳۴۰ توسط ساواک شناسایی و دستگیر شد.

رفیق آصف مدتی بخاطر فعالیت در حزب توده ایران زیر شکنجه و شکنجه‌های جسمی و روحی و بیاحتیاطی در زندان قرار داشت، و چون ساواک مدتی زندانش، وی را به بقیه ضمانت که از حوزه قضایی تهران خارج نشود، آزاد کرد. رفیق آصف دوباره، به کارخانه، به سرچشمه هاشمی که همواره از آن آموخته بود و بدان ولع بسته بود، بازگشت و در همان رشته برقی و تالیسات مشغول کار شد. از سال ۱۳۳۱ با دیگر فعالیت پرشور وی کسری سیاسی و حزبی رفیق آصف رزم‌دیده، همراه با کارگر در کارخانه آغاز شد. وی در جبهه نه منفسی حزب توده ایران، یکدم از نیروی ملی و امپریالیسم و رژیم شاه مخلوق فاصله نمی‌ماند. دستگیری دوباره او، محاکمه و زندانی‌شدن، هم‌زمان با شناختن او در سطح کشور و جهان است. حزب ما در دفاع از او و



کارگری رزمنده، نمونه صداقت و ایمان

رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد حزب ما برای شرکت در مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق صابر نمونه صداقت و ایمان نسبت به طبقه خود و حزب طبقه کارگر است و در این مکتب پرورش یافته و به یک شخصیت سیاسی و اجتماعی بدل گردیده است.

صابر محمدزاده، در ۱۳۱۴، در نوشهر متولد شد. پدرش ابوالفضل نیز کارگر بود و او در محیط کارگری رشد یافت. از اوان طفولیت با خانواده به تهران آمد و با تحمل سختیهای ناشی از شرایط زندگی زحمتکش، توانست تا پنجم متوسطه درس بخواند. وی از آغاز دوره دبیرستان و بمقتضای محیط کارگری زیست خود، بمسائل سیاسی علاقه پیدا کرد و در نبرد مردم ایران با تمام شور جوانی خویش وارد شد. محیط کارگری خانواده با طبع او را بسوی حزب تود، ایران آورد و در فروردینماه ۱۳۳۱ به عضویت سازمان جوانا حزب توده ایران پذیرفته شد. به علت فعالیت سیاسی، در دبیرستان، او را از تحصیل در مدارس دولتی محروم کردند.

برای این ممنوعیت، او فقط یکسال توانست در دبیرستان ملی درس بخواند و سپس ناچار شد ترک تحصیل کند. از سال ۱۳۳۶، رفیق صابر محمدزاده شروع بکار تراشکاری کرد. در میان طبقه‌ای که از آن برخاسته بود و یکمک تجربه فعالیت‌های سپاه، گشته، وی تربیت سیاسی و اجتماعی خود را کلل کرد. در اعتقاد خود بدستی راه‌حزب توده ایران و رسالت طبقه کارگر را می‌بیند. فعالیت‌های منفسی سیاسی و بویژه فعالیت در جبهه نه منفسی حزب، منجر به دستگیری او در دیهشت ۱۳۳۶ توسط ساواک شد. وی پس از اذعان در دیهشت ۱۳۳۶ توسط ساواک، خود پس از اذعان در دیهشت ۱۳۳۶ توسط ساواک، خود محکوم نمودن بساط حاکم در ایران، به هفت سال زندان محکوم شد. در آن زمان حزب ما در سطح جهانی کارزار دفاعی بزرگی را برای نجات او و رفیق کارگر هرزمنش آصف‌دزم دیده، که او نیز از جانب نامزد شرکت در مجلس خبرگان است، سازمان داد. هفتسال در زندانهای گوناگون، هر مکتب جدیدی بود که در آن صابر آموخت و هم صحنه نبردی بود که در آن صابر فعالانه شرکت داشت. ولی پس از گذشت دوران محکومیت، رژیم شاه مخلوق حاضر نشد این کارگر مبارز را که زندان را هم بمسئله بیکر بدل کرده بود، آزاد کند و مجدداً ۱۶ سال دیگر محکوم کرد.

پنجمسال پس از آن، در ۲۰ آذر ۱۳۵۷ هنگامیکه موج‌های جنبش انقلابی مردم ایران با پهای رژیم سلطنتی منصور دست نشاند، رافروزمینش و بانک زندانی سیاسی آزاد باید گردید، فضای ایران را بلرزه آورده بود، صابر محمدزاده نیز بانفاق رهش درهای زندان را بر وی

خود گشوده یافت و با دیگر میانطبقه خود و به ان خلق خود بازگشت.

دوران چندماهه پس از آزادی، دوران فعالیت‌شکوفان و به بار رفیق صابر محمدزاده است او در مرکز رهبری حزب خوش در میان طبقه کارگر، که با همه دردها و خواست‌هایش آشنایی دارد، بکار بر نفس سازمان دهی و تبلیغ مشغول است.

به تصدیق همه دوستان و آشنایان، علیرغم ظاهری کم حرف و ساکت، رفیق صابر با چنان شور و فعالیت به کار میبرد که خستگی ناپذیر می‌نماید و در زیر دیر آشنایی و کم‌چوشی ظاهری، صمیمیتی بیکران نهفته دارد. رفیق صابر محمدزاده، کارگر تراشکار و یکی از کادر های پرچسته حزب طبقه کارگر، می‌تواند با شایستگی از منافع زحمتکشان و مصالح همین مردم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مدافعه کند.



پیکارجویی خستگی ناپذیر در امر تشکل زنان

رفیق مریم فیروز، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی از تهران است.

رفیق مریم فیروز از برجسته‌ترین بانوان مبارز ایران و شخصیت شناخته شده‌ایست که از او ان جوانی کام در راه مبارزات ترقیخواهانه و آزادی طلبانه گذشت.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۹۹۲ در کرمانشاه متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی، متوسطه عالی را در تهران پسبایان رساند و در مهاجرت اجباری سیاسی بدرافت درجه دکترا در ادبیات و زبان فرانسه نائل گرد.

از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزادیخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشت. وی از سال ۱۳۲۲ در تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بفعالیت خستگی ناپذیر پرداخت و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۲۷ در کنگره دوم حزب به عضویت مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد. وی در همان سال، پس از کودتای بهمن ۱۳۲۷، تحت پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۲۸ غیاب محکوم به پنج سال زندان با اعمال شاقه شد.

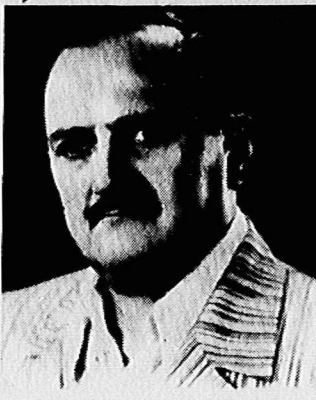
از همان سال ۱۳۲۷، رفیق مریم در شرایط پنهانکاری به مبارزات دشوار و پرخطر ادامه داد، در امر بسیج زنان در تشکیلات زنان و حفظ و ادامه مبارزه بین سازمان‌دو سرپرستی فعالیت مطبوعاتی آن، با از خود گذشتگی کار کرد. بمدت ۸ سال زندگی پنهانی رفیق مریم با مبارزه‌ای خستگی ناپذیر ادامه یافت. در سال ۱۳۳۵ ادامه مبارزه پنهانکارانه وی در ایران ناممکن شد و مجبور به جلائی وطن گردید.

در دوران مهاجرت سیاسی، که تا پایان سال ۱۳۵۷ دوا یافت، رفیق مریم فیروز آنی از مبارزه علیه رژیم دست نشانده استبدادی شاه مخلوق باز نایستاد. بهنگام مهاجرت، مجدداً بطور غیابی دوبار محکوم شد. بازاوله ده سال زندان و سپس برزندان ابد با اعمال شاقه.

رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۵۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و اینک در همین آزاده‌شده‌ما با همان شور و خستگی ناپذیری همیشگی به امر تشکل زنان در مبارزه با ظلم‌های برابری حقوق و در بیکار برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران مشغول است.

بقیه در صفحه بعد

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



کارگری رزمنده مدافع زحمت کشان

رفیق علی لامی، کارگری که در مکتب مبارزات سخت و درازمدتی پرورش یافته و در مقام عضو حزب توده ایران، همواره از منافع زحمتکشان کشور فعالانه دفاع نموده، از جانب حزب ما نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از مازندران است.

رفیق لامی به سال ۱۲۹۸ تولد یافته است. پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۱۵، در کارخانه چیت‌سازی بهر سمت کارگر استخدام شد. وی در این کارخانه بمدت ۱۵ سال همراه با فعالیت‌های سیاسی کار کرد. در آبان ۱۳۳۹، وی بسبب مبارزات سیاسی از کارخانه اخراج شد و دیگر نتوانست استخدام گردد. از آن پس با شغل کسلی زندگی خود را گذراند. ضمن اینکه با ادامه فعالیت سیاسی، استعداد خود را در کار سازماندهی مبارزه زحمتکشان بروز داد.

رفیق لامی تا سال ۱۳۲۰ عضو کمیته سازمان جوانان بهر بود. وی از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ به عضویت کمیسیون تشکیلات حزب انتخاب گردید و سپس از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ به عضویت کمیته شهرستان بهر ادراتقاء یافت.

رفیق لامی در جریان فعالیت‌های سیاسی و مبارزات بیکم چندین بار بازداشت شد، که دوبار منجر به محکومیت وی گردید.

رفیق لامی در سال ۱۳۳۰، بمدت یکسال و از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ بمدت سه سال در زندان بسر برد. چهار سال زندان، رفیق لامی را آبدیده‌تر ساخت. قطع اجباری رابطه وی با حزب ما نیز آن شد که اعتقاد واضح رفیق لامی، بدستی راه مبارزه پر رنجی که برگزیده، را منجر کرد، در سال ۱۳۳۷ رابطه وی با حزب مجدداً برقرار شد و با عده‌ای به فعالیت پرداخت. ولی نفوذ ما نویسندگان در گروه او منجر به از هم پاشیدن گروه گردید. رابطه رفیق علی لامی با مرکز حزب بار دیگر در سال ۱۳۵۱ برقرار شد و چندین سال، در محیط اوج خفقان ساواک به کار بخش مغفانه نشریات حزبی پرداخت. در سال ۱۳۵۷، در جریان نفع جنبش انقلابی، قبل از ماه محرم، بانفاق دوفرزندش دستگیر و بزندان افکنده شد. انقلاب پیروز زند خلق در زندان را بر وی رفیق لامی و هم‌تجربانش را کشید و رفیق لامی مجدداً به فعالیت سیاسی-انتیبار در خدمت به تحکیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی پرداخت.

کارنامه زندگی رفیق علی لامی، که اکنون مسئول سازمان حزب توده ایران در شهر است، کارنامه‌ای است گویا و وفاداری، پیکوری و سرسختی او در مبارزه بود منافع زحمتکشان، استقلال و آزادی و آبادی کشور.



کارگری مبارز وفادار به طبقه اش

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی از اصفهان است.

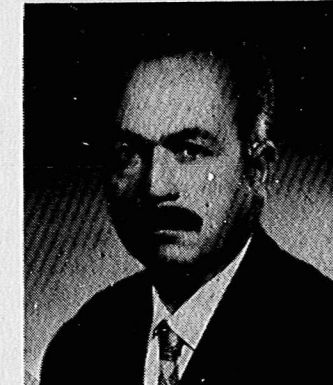
رفیق روحانی دهقان زاده‌ای است که بصوف طبقه کارگر پیوسته، کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده است.

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی در سال ۱۹۹۷، در یک خانواده دهقانی با بهره‌رسم حیات گذارد. تحصیلات خود را تا سوه متوسطه ادامه داد و سپس به علت فقدان امکانات مادی خانواده‌اش، ترک تحصیل کرد. وی از سن ۱۸ سالگی، بعنوان کارگر بافند، در کارخانه زاینده‌رود اصفهان مشغول کار شد. او که خود از آغاز جوانی به فروش نیروی کار مجبور شد، هم‌تجربان خویش، از کودکان ۱۰ ساله تا پیرمردان ۶۰ ساله را میدید که نشاط و نیروی جوانی و حیات خود را در پای ماشینهای بافندگی می‌ریزند و جز گذرانی دشوار سهمی از زندگی

ندارند. پایای رشد سنی، آگاهی طبقاتی او نیز در حلقه کارگران زحمتکش و معزوم کارخانه زاینده‌رود اصفهان رشد مییافت، تا بدانجا که، در سال ۱۳۲۵، در اوج گسترش مبارزات کارگری، در زهرچشم شورای متحده مرکزی، به عضویت حزب توده ایران درآمد.

رفیق روحانی به علت شرکت در مبارزات مخفی حزب توده ایران پس از بهمن ۱۳۲۷، در سال ۱۳۲۸ بازداشت شد و مدت چهارماه در زندان بود. وی تا سال ۱۳۳۱ چندین بار به تناوب بازداشت و پس از چندین بهلت فقد دلیل آزاد شد. رفیق روحانی روزی ام تیر سال ۱۳۳۱، به علت شرکت فعال در تظاهرات علیه شاه-قوام مجدداً بازداشت و برای مدت شش‌ماه به بندرعباس تبعید شد. برای رهائی رفیق مبارز، حزب توده ایران، جمعیت طرفداران صلح و مطبوعات حزب مبارزه وسیعی را آغاز کردند. در نتیجه رفیق روحانی پس از گذراندن ۴ ماه در تبعید به زادگاه خود بازگشت.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ توسط ارتجاع و امپریالیسم بر زمین ما، موجب بازداشت صدها رفیق توده‌ای شد. رفیق روحانی نیز یکی از بازداشت شدگان بود. او که از سال ۱۳۲۹، عضویت کمیته ایالتی اصفهان را عهده‌دار بود، به دوسال زندان محکوم شد، که یکسال آنرا در تبعید، در جزیره خارک، وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر و استمرار در مبارزه برای تحقق اهداف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگرایان، از رفیق روحانی مستثنی مورد اعتماد و قابل احترام برای همه زحمتکشان ساخته است.



شخصیت علمی و فرهنگی، مبارز راه رهائی طبقه کارگر

رفیق حسین آذر، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از جانب حزب، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی از اصفهان است.

رفیق حسین آذر، در سال ۱۳۰۵، در یک خانواده مرته و انساندوست با بجهان گذارد. تحت تاثیر تربیت و نفوذ پدر، به رشته پزشکی علاقمند شد و به تحصیل در این رشته پرداخت و در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶، در رشته طب عمومی، از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و از همان آغاز جوانی در صدد یافتن راه حل صحیح مسائل اجتماعی کشورش برآمد و پس از بررسیهای فراوان، در سال ۱۳۲۳ راه عضویت حزب توده ایران را برگزید. رفیق حسین آذر بلافاصله پس از پایان تحصیلات، به علت فعالیت در صفوف حزب توده ایران، دستگیر و زندانی شد. وی سالهای زیادی را در زندانهای تهران و اصفهان گذراند. رفیق دکتر حسین آذر در تمام سالهای زندان، با وجود شرایط دشوار آن، تمام وظایف انسانی خود نسبت به یاران هم‌زنجیر خویش غائل نمآند و کمک به حفظ سلامت رفقای توده‌ای را بر برگزید. رفیق حسین آذر بلافاصله پس از بازگشت، به علت فعالیت در صفوف حزب توده ایران با او آموخته بود، قبل از آنکه پزشک باشد، باید یک انسان توده‌ای باشد و در این راه با سرسختی و پایداری در صفوف حزب ما بنابر ادامه داد.

رفیق حسین آذر در صفوف حزب توده ایران مسئولیتهای گوناگون داشته، و از جمله اداره کنفرانسهای پزشکی هفتگی بزبان ساده را بر عهده داشته است.

رفیق حسین آذر یک شخصیت علمی، فرهنگی و سیاسی است که پیگیرانه و با استواری برای رهائی خلق، برای آزادی طبقه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی ایران عزیز بیکار کرده و اکنون نیز در سنگر مبارزه برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران محکم و تزلزل ناپذیر ایستاده است.

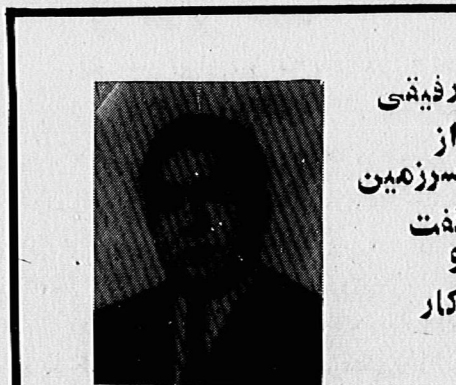
مأمور ساواک عضو کمیته سفارت آمریکا

گزارش زیرین به «مردم» رسیده است. سپه مرغی موسوی، که در دوران رژیم شاه مخلوق، زمانی رئیس ساواک بندر انزلی و سپس در مرکز مأمور رسیدگی به وضع اتباع بیگانه بود، اینک در «کمیته» سفارت آمریکا مشغول «خدمت» است. وی در گذشته به چین هم سفر کرده است. ما از مسئولین امرومیخواهیم که بوضع کمیته سفارت آمریکا فوراً رسیدگی کنند و از جمله کسانی مانند سپه مرغی موسوی، مأمور ساواک را، که معلوم نیست چگونه توانسته‌اند خود را در «کمیته» چادهد، تصفیه کنند و تحت تعقیب قرار دهند.

سخنرانی تحریک آمیز در پادگان

روز سه‌شنبه تهرانم جوانی روحانی نما برای سخنرانی وارد پادگان شد. سخنرانی او بدست تمام، از ساعت ۱۱ تا یک بعد از ظهر، بطول انجامید. تمام مشغول سخنرانی او، بی‌اعتبار کردن نیروها و کشور، های ترقیخواه، بوسیله یکی جلوه دادن آنها با نیروهای ارتجاعی و کشورهای امپریالیستی بود. این سخنرانی تبلیغاتی در عین حال برای تیره امپریالیسم، برای اینست که آتش خشم خلق انقلابی، در این مورد بخصوص ارتشیان متوجه امپریالیسم شود، بلکه بر عکس متوجه نیروهای ضد امپریالیستی گردد. سخنران جوانی بود بنام استاد ابراهیمی، او از حصار پوشش خواست که از خارج آمده تهران را نمی‌شناسد! چند کتابی همراه خود داشت تا دهنده نشاند و همه چیزان است! او حکومت دیکتاتوری دست نشاند موسوز را در نیکار کرده، با لیبی و عربستان، چین و شوروی و امپریالیسم، هم‌دا در یک کسه ریخت، همه آنها را بیکان ارتجاع نامید و در معرفی آنها از رنگهای سفید و سیاه و زرد و سرخ استفاده کرد.

اینگونه تبلیغات در ارتش، که باید در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق باشد، سم فلهک است. خلق و کشور ما دشمنان شناخته شده دارند و این دشمنان جز امپریالیسم، بر سر گردی امپریالیسم آمریکا، دستیاران آنها کسی دیگر نیست. نیروها و کشورهای ضد امپریالیستی را در دنیف نبره‌ها و کشورهای امپریالیستی و متحدین آنها قرار دادن، نبره‌ها را بسازای ارتش، بصورت ارتش ضد خلق دوران بملوی است. ارتش باید برخلاف گذشته گمشده واقعی خلق و کشور را بشناسد، تا کسی نتواند در آینده آنرا بر ضد خلق و استقلال کشور بکار بندد. تبلیغات در ارتش باید در جهت آگاهی ارتشیان باشد، نه در جهت گمراه کردن آنان.



رفیقیت از سرزمین نفت و کار

خبر از مبارزه در سال ۲۰۰۰ در آیدان در یک خانواده زحمتکش بخندد. در سالهای اجبار شروع بکار و با یک ۲۰ ساله بود است که بعنوان کارگر مشغول بکار است.

اراده شکم و استعداد سرشار با یک زاده او اوانگ داد که بر دموکراسی- لای آید و بهر کار سنگین برزاده، هم‌ها در سرخوردن و عود را بسازد، او اینک کارگری است و با سواد است که با احساسات پاک انقلابی خود را در قالب شعر می‌ریزد.

مایل زاده از ۱۰ سالگی بطور فعال به مبارزات منفسی و سیاسی و بویژه مبارزات ضد امپریالیستی بنفست بود. پس از اتمام تحصیلات در مقطع متوسطه، در سال ۱۳۲۲ به عضویت شورای خنده مرکزی و حزب توده ایران درآمد. علیرغم شغلهای گوناگون بر سر راهش، بود استوار و سرانجام در این سنگر ایستاد.

مایل زاده، خادم وفادار طبقه کارگر و فرزند خلق کارگران مبارز خوزستان است. او در مجلس سیرگ سگون سکون صدیق مردم زحمتکش خوزستان و مدافع کسب و پیش خلیبان ایران خواهد بود.

سخنی درباره شناخت جامعه کشور ما

از: احسان طبری

ما میکوشیم طی چند گفتار، که هر یک بنوبه خود از جهت موضوع مستقل است، جامعه ایران را بشناسیم و نیز میکوشیم تا این گفتارها را در آن حدی تنظیم کنیم که دریافت و فراگیری آنها برای آموزندگان تئوری انقلابی، از میان زحمتکشان آگاه یدی و فکری چندان دشوار نباشد.

طبیعی است که برای دریافت و فراگیری این گفتارها زمینه ابتدائی، شوق و تلاش آموختن لازم است. و نیز ممکن است که در اینجا و آنجا، برای آموزنده ستوایی یا اشکالی پیش آید، که ناچار باید آنرا در نزد آموزگاریا همزم آگاهتری روشن سازد.

امید است که طی آشناسدن با جامعه ایران، مادر عین حال پاد یکبریم که چگونه باید مسائل اجتماعی را تحلیل کرد، گرهها را در این کلاف سردرگم کشود، بنحیها را بر طرف ساخت و کلیدهای حل مسائل اجتماعی را یکف آورد.

اینکار البته ضرور است تا رزمنده، آگاه باشد. رزمنده آگاه، راه دشوارتر برد را بهتر می بیند. حافظ شیرین سخن ما میکویید: «هر که دانسته رود، صرله زاهد آید.»

آگاهی مایه خرد و تدبیر است، و خرد و تدبیر شرط پیروزی، رزمنده که آگاه شد، از یک کاه با بی، مست و از یک ناکامی، معلول و مایوس نمیشود، بهای خود و دشمن را خوب می شناسد، بین خود و مخالفان خود مرز درست میکشد، میدانند کجا باید عقب نشست و چرا، میدانند کجا باید دست به تعرض زد و چرا و غیره. برای شناخت جامعه دو نوع قوانین وجود دارد: قوانین عام و قوانین خاص.

۱) قوانین عام شناخت اجتماع، آن قوانینی است که برای همه جوامع بشری بنحویکسان صادق است، خواه آن جامعه ایرانی باشد، خواه هندی، خواه فرانسوی، خواه کانادائی و غیره.

مثلا قانون تناسب و هماهنگی بین نیروهای مولده و مناسبات تولید، بعنوان شرط رشد سالم و بهنجار (طبیعی و نرمال) جامعه ما، یک قانون عام است. یعنی وقتی مناسبات تولید (یا به بیان دیگر مناسبات مالکیت) طوری نبود که مانع رشد سالم و طبیعی نیروهای مولده (یعنی افزارها و وسایل تولید همراه با انسانهای مولده) که آنها را کار می برند، بشود این نیروها در چارچوب آن مناسبات (یا آن مالکیت) بسدود بحران و جنگ و تضاد و کزروی رشد یابند، آنگاه می گوئیم که مناسبات مولده و مناسبات تولید هماهنگی و تناسب حکمرواست. اما پس از چندی، سرانجام زمانی میرسد که این مناسبات مالکیت برای رشد نیروهای مولده نامناسب میشوند (مانند کشتی که برای پای رشد یا بنده کوچک تنگ میشود). آنوقت است که دوران بحرانها، جنگها، انقلابها میرسد، زیرا لازمه رشد آتی نیروهای مولده، بودایش مناسبات نوین تولید، یعنی مناسبات نوین مالکیت است و جامعه در تب و تاب حل این معما می افتد.

فی المثل زمانی بود که مالکیت سرمایه داران بر ماشین و زمین مانعی برای رشد سریع و وسایل تولید نبود. برعکس، وسایل تولید، که تازه از چنگ مالکیت اشراف فئودال خلاصی یافته بود، در کشورهای سرمایه داری غرب، بسرعت رو به رشد نهادند. ولی بسا پیدایش اولین بحرانها، انقلابها، جنگها معلوم شد که تولید ماشین، که یک تولید اجتماعی شده است، نمیتواند دیگر در کالبد تصرف و مالکیت خصوصی سرمایه دار، بکنجد و نظام مالکیت دیگری می طلبد و جامعه به تکاپوی آن افتاده است که برای پای رشد یافته، کفش مناسباتی تدارک ببیند.

این قانون تناسب یا هماهنگی نیروهای مولده با مناسبات تولید (مالکیت) یک قانون عام برای همه جوامع بشری است. این قانونی است که مارکس کشف آنست و از مهمترین قوانین عام و ممکنانی تکامل اجتماعی است. حال نمونه ای از قوانین خاص ذکر کنیم.

۲) اما اینکه سرمایه داری ایران در اثر اقتصاد تک محصولی (نفت) و طفیلی وار (از طریق سفته بازی زمین و مسکن و واسطه بازی در معاملات و سرقتی ها و وامگیری از بانکها) و در زیر فشار خورد کننده امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امپریکوانگلیس، از همان اوان زایش، شکلی ناهنجار داشته و بجای آنکه سرمایه بر پایه تولیدی (در صنعت) گسترش یابد، گسترش نامقول در زمینه مصرف شخصی و مصرف تولیدی پیدا کرده، این دیگر قانون عام سرمایه داری نیست، بلکه یک سلسله قوانین خاص سرمایه داری ایران است که در شرایط ویژه تکامل جامعه پدید شده است. به دیگر سخن، ما باید قوانین عام تکامل اجتماعات بشری را، که فلسفه، تاریخ و اقتصاد و دیگر علوم اجتماعی آنها را بیان میدارند، بر شرایط ویژه جامعه کشور خودمان به اصطلاح پیادیم کنیم، تا قوانین خاص تکامل جامعه ایرانی را کشف نمائیم. یعنی ببینیم آن قوانین عام (که یک نمونه اش را ذکر کردیم و تعدادش زیاد است) در این شرایط خاص بوجه شکل در آمده، یا اصلا در این جامعه معین، چه قوانین خاصی بروز کرده است.

هم یادگیری قوانین عام و هم انطباق و پیاده سازی و هم کشف قوانین خاص، همه و همه کاری است که به دقت و تفکر علمی و تئوریک، همراه تجربه و پراونیک (یعنی عمل و مبارزه انقلابی) نیازمند است تا تئوری کاربردی یا انطباقی شکل گیرد و پدید شود.

اینکه که تصوری از قوانین عام و خاص بسدست آوردیم، به برخی مشخصات جوامع انسانی توجه کنیم.

باید توجه داشت که جامعه بشری در یک جا و یک حال درجا نمیزند و با اصطلاح وضع ایستائی (ستاتیک) ندارد، بلکه دارای حالت متحرک و پویائی (دینامیک) است. یعنی جامعه بشری از گذشته به زمان حال میرسد و سپس بسوی آینده میرود و در این مسیر، یک روند تکاملی را طی میکند. یعنی بافت جامعه بفرنج تر و پیچیده تر میشود و در آن ساختها و روابط نو پدید میشود.

این تکامل، هم در نیروهای مولده جامعه رخ میدهد و هم در مناسبات تولید، هم در زیر بنا و هم در روبنا، هم در فرهنگ مادی و هم معنوی.

در اثر این تکامل، جامعه از مراحل و نظامات با صورت-بندیهای میکندد، مانند کله های انسانی، نظام ابتدائی (همبود نخستین)، نظام دودمانی (مادرسالاری و پدرسالاری)، نظام بردگی، نظام زمین سالاری (فئودالیسم)، نظام سرمایه سالاری (کاپیتالیسم)، و سرانجام آخرین شکلی که تا امروز وجود آمده، نظام جامعه سالاری (سوسیالیسم).

تبدیل و تحول جامعه در درون این نظامات، خود یکی از قوانین عام است، ولی جوامعی ممکن است گاه از یک نظام ظفره بزنند، یعنی آنرا نگذرانند و بسا نظامی را با مشخصات ویژگیهای بگذرانند، مثلا در کشور ما نظام دودمانی (بصورت بقاء طوایف و قبایل یا ایلات و عشایر) از خود بسیار جان سختی نشان داده، یا نظام بردگی بشکل ربه یونان در ایران نبوده و بردگی بطور عمده بردگی خانگی بوده و آنها هم تا قرنها دراز دوام آورده و با نظام زمین سالاری در کنار مالکیت خورده دهقانی، پیش از دو هزار سال از تاریخ را اشغال کرده و با نظام سرمایه سالاری، مدتها پیش، در بطن فئودالیسم ایران جوانه زده، ولی بلبل تاریخی و جغرافیائی که از آن یاد خواهیم کرد، رشد نکرده و وقتی رشد کرده (در اثر استعمار) راه تکامل فوق العاده نسالما و ناهنجاری را پیموده است. این ویژگیهای جامعه ماست و مثلا در جامعه فرانسه یا انگلیس، ما این ویژگیها را نمیبینیم یا بدین شکل نمی بینیم.

پس جامعه طبق قوانین عام و خاص تکامل مییابد و ساخت (استرکتور) و روابط درونی خود را عوض میکند و بافت آن بفرنج تر و سطح شعور اجتماعی آن بالاتر میرود و پرفعالیت

اعضاء متشکله آن و شرکت آنها در عمل اجتماعی دمدم بیشتر و بیشتر افزوده میشود، یعنی یک حرکت اعتلایی و پیشرونده را طی میکند.

برای اینکه بررسی جامعه، جامع باشد، باید آنرا در سه بعد گذشته، حال و آینده دید. در سابق از بررسی دوبعدی (دیاکرونیک) در گذشته و حال صحبت میشد، ولی حال، به برکت دانش پیش بینی علمی (پروگنوستیک) میتوان از بررسی سه بعدی (تری کرونیک) صحبت کرد. لنین میگویید، از سکوی آینده، حال را بهتر میتوان شناخت. شناخت آینده، با کمک قوانینی که در گذشته و حال موثر اند، همسر است. زیرا اگر ما قوانین تحول پدیده ای را بشناسیم، قادریم آینده آن پدیده را در کلیاتش پیشگویی کنیم (البته پیشگویی در جزئیات، یعنی اینکه چه حادثه ای کی و بدست چه شخصی روی میدهد، محال است. چنین پیشگوییها، غیب گوئی است و غیب گوئی کار علم نیست.)

همه این قوانین که گفتیم بیا کمک میکند جامعه را از جهت کیفی بررسی کنیم، یعنی چگونگی روند های اجتماعی را بیان داریم. اما جامعه را از جهت کمی هم میتوان بررسی کرد. مثلا وقتی میکوشیم کشور ما دارای قریب ۳۵ میلیون جمعیت است، یک چهارم آن کویر است، قریب یک میلیون کارگر صنعتی دارد، قریب بیست میلیارد تن ذخیره نفتی آنست و غیره، برخی مشخصات کمی جامعه خود را بیان داشته ایم.

مشخصات کمی بخودی خود کلید عمده شناخت جامعه نیست و فقط هنگامیکه افزار کار تحلیل برای مشخصات کیفی قرار گیرد، چیزی است بسیار سودمند و لازم.

مثلا ابتدا باید دانست که جامعه ایران سرمایه داری است. سپس باید دانست که در طبقه اصلی جامعه سرمایه داری، سرمایه داران و کارگرانند و آنگاه باید دانست که کارگران صنعتی هسته مرکزی طبقه کارگر است و در اینجا است که مفید است بدانیم که تعداد کارگران صنعتی ایران (در صورت فعالیت همه موسسات صنعتی) به قریب یک میلیون بالغ میشود. اگر آن مشخصات کیفی را ندانیم، آمارها، جدا از قوانینی که چگونگی جامعه را توضیح میدهند، چیز زیادی را افشا نمیکند. مهره بازی با آمار، در آن حال، فقط میتواند افزار سفسطه و اثبات احکام غلط باشد، نه پیش.

گفتار بعدی، نقش عوامل جغرافیائی در تکامل جامعه (ایران)

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

رضا یک دستگاه ماشین تحریر دانش آموز ۱۶ ساله از زنجان ۵۰۰۰ ریال
ج.ع گروهی از هواداران حزب دراز (این حاصل اولین روزگار ورنج (فارسی) ۶۰۰۰ ریال
اسماعیل آیدا (در انجام رسالت بزرگی ۵۰۰۰ ریال
هدیه پهلوی دوسکه رومی که بر عهده گرفته اید، موفق باشد. ۱۵۰۰ ریال
عباس ۱۰۰۰ ریال
۱۹۱۷ ۱۲ از شهران ۵۰۰۰ ریال

گفتگوی توده ای بابرادران و خواهران مبارز مسلمان

من توده ای ام، افتخاریست جاودانه، در سراسر زندگی پررنگم، و پس از مرگم که هرگز وجود ندارد، آئینه...

(چه نعمت بزرگی است) در آن میتکم، خود را میاریم، به پیشوازت میاریم، و ترا، برادر درخون آغشته ام را خواهر بزنجیر کشیده ام را دوست در سنگی رزمنده ام را، در آغوش میکشم و می گویم، از فرزندان آزادی، از رفقای روزبه، از دوستان حکمت جو.

من می گویم، زمین مال روستا، و تومیکوئی، از ربع الزارع و لوکن غاصبا من می گویم، غفت و آزادی برای زنان و مردان. تومی گوئی، الجنت تحت الاقدام الامهات. من می گویم، دانش برای مردان و زنان. تومی گوئی، طلب العلم فی ربه علی کل مسلم و مسلمة. حرف مایکست، حق، مساوات، آزادی. پس دعوا بر سر چیست؟ من رنجبرم، تومی ستم کش من بندگسل، تو عاشق حق. بیدار و بیدار دل باشم. «اوزوم»، «عنب»، «انگور». این هر سه گفتار یکبست، و ما هر دو میخواهیم، محو ظلم و استثمار، آزادی اندیشه و کار.

شاه میهن فروش، مرا «میهن فروش» میخواند. من، جان بر سر میهن داده ام، چه کسی میتواند میهن را، مادر، پدر، برادران و خواهران را، که با هم یک جا نفس کشیده ایم، در یک زندان خفته، در میدان شهید، بخون هم آغشته شده، در بهشت زهرا، در یک گور سپرده شده ایم، چه کسی میتواند، تمام عشق و علاقه ناکام را، از من باز ستاند؟ چه کسی حق دارد، حق گفت و شنود، حق دفاع را، از من باز ستاند؟

آنچه که خود میخواهد، بنام من جعل کند، و مرا بهر آنچه یاده است، متهم سازد..... آن مردک آده خواهر، با دستکاه جهنمی ساواکش، مرا «توکر اجنبی» میخواند. ما فاند زردی که فریاد موزند، «دزد را بگیر» و زمان بر ملا کرد که، خائن کوست، خادم کوست!

در دنیا دو چیز بیشتر نیست، حق و ناحق، ظالم و مظلوم، آزادی و اسارت، نابرابری و مساوات، آری، ما با هم برابریم، آری، ما هر دو یک چیز میخواهیم، آزادی و مساوات، عدل و حق.

ز.ن. شمس - ۱۳۵۷